



مسعود فروغی

قائم مقام مدیر مسئول

سرتقاله

۱۰ سال پیش در چنین روزهایی بحث بر سر این بود که وقتی به ۱۴۰۴ رسیدیم، سبب تحریم های بین المللی علیه ایران - که امضای شورای امنیت سازمان ملل را داشت - برای همیشه از روی حافظه روابط بین الملل حذف می شود و غروب برجام تبدیل به طلوع اقتصاد ایران می شود. حد فاصل تیرماه ۹۲ تا دی ماه همان سال که می خواست برجام اجرایی شود، هزاران مطلب تولید می شد درباره اینکه وقتی به مهر ۴۰ برسم روزگار به کل تغییر می کند. اما آنچه در حال وقوع است با آن تصویر گل و بلبل تفاوت زیادی دارد. این متن اما کيفرخواست امضاکنندگان و تهیه کنندگان برجام نیست و نمی خواهد مقصران را معرفی کند. این موضوع از حیث ملی و تاریخی البته مهم است و به جایش باید واریس شود. نه برای یقه گیری و سرکوفت زدن که فایده ای ندارد، بلکه برای یادگرفتن از تاریخ و ثبت واقعیت ها. آن طور که از شواهد پیداست نیت طرف غربی به اجراء آوردن مکانیسم ماشه برجام و بازگرداندن تحریم های سازمان ملل علیه ایران است. ۶ قطعنامه که شنبیه همین تحریم های فعلی آمریکا، داد و ستد با ایران را عادی نمی داند. سؤال روز سیاسی اما این است که مسیر طی شده ایران در ماه های اخیر برای جلوگیری از اجرای ماشه چه بوده و حرف حساب طرف غربی چیست. برای پاسخ به این سؤال باید به زمینه تاریخی فعلی از حیث امنیتی و سیاسی توجه کرد. تحولاتی که نشان دهنده حساسیت سیاسی جزئیات رخ داده است و روایتی که تأمین کننده منافع ملی و براساس فکت های دقیق باشد، ضرورتی انکار ناپذیر است، اما واقعیت چیست؟

جمع بندی ایران در ماه های اخیر بر اساس دو راهبرد کلان سازمان دهی شده بود؛ اول حفظ انسجام داخلی برای تقابل با زیاده خواهی طرف غربی که تصور می کرد موقعیت تاریخی برای ضربه به ایران پیدا کرده است، دوم تلاش برای توقف فرایند اجرای مکانیسم ماشه، به طوری که ابزارهای واقعی سیاسی و فنی در خدمت دیپلماسی پیچیده پشت صحنه قرار گرفت. آن گونه که داده های دقیق نشان می دهد میز مذاکرات برای دستیابی به این هدف با چندین ایده بین المللی شکل گرفت و ایران از حداکثر انعطاف سیاسی برای دستیابی به نتیجه استفاده کرد. بر اساس افکارسنجی های متقن و علمی جامعه ایران ضمن حمایت از دستیابی به یک توافق سیاسی، مقابله با زیاده خواهی دشمن و کوتاه نیامدن از منافع کشور را مهم می داند. نتایج این افکارسنجی ها و جمع بندی وضعیت سیاسی داخلی ایران نشان می داد رسیدن به توافق با هر شرایطی از حیث از دست رفتن سرمایه های ایران حمایت حداکثری نداشت؛ اما در صورت تأمین منافع کشور و حفظ امنیت و تمامیت ارضی توافق حمایت خوبی داشت. براین اساس کشورهای مختلف تلاش می کردند با ارائه پیشنهادها و درخواست های ماه های اخیر نقش آفرینی کنند که می توان براساس دو محور آن ها را دسته بندی کرد؛ اول مسئله مواد غنی شده ایران و دوم مذاکره با آمریکا. در تعیین تکلیف مسئله اول توافق فنی با آژانس متغیر مهم و حیاتی محسوب می شد. به خصوص برای اینکه مصوبه مجلس در واکنش به حمله آمریکا به تأسیسات هسته ای، همکاری با آژانس را از وضعیت قبلی خارج کرده بود. در محور دوم هم تفاوت مواضع علنی و واقعی آمریکایی ها متغیر قابل توجه است.

جمع بندی ایده کلان ایران برای بررسی پیشنهاد های مختلف برای جلوگیری از اجرای ماشه هم دو پایه اصلی داشت؛ نتیجه مذاکرات در میز مذاکره معلوم می شود و تحمیل خواسته های فرامتنی ممکن نیست و دیگری اینکه ایران حاضر است نهایت انعطاف ممکن برای دستیابی به توافق را به میدان بیاورد. برای همین در واکنش به پیشنهاد فرانسه برای توافق با آژانس، توافق قاهره با حفظ کلی چهارچوب قانون مجلس عملیاتی شد که در صورت اجرایی شدن ماشه، ناپدید می شود. همین طور ایران پیشنهادها برای تبادل مواد غنی شده ۶ درصد با مقدار متفاوتی از ۲۰ درصد را رد نکرد و قابل مذاکره دانست. ایران همچنین مذاکره مستقیم با ۵۰۱ را قبول داشت و آماده بود در ازای منتفی شدن قطعی ماشه نه تعویق آن، امتیازهایی بدهد. اما اروپایی ها در حین روند مذاکرات با تغییر خواسته ها از طرح مسئله محدودیت موشکی ایران و مسائل این چنینی مؤلفه هایی به میز مذاکرات اضافه کردند. در حالی خواسته طرف مقابل اضافه می شد که در مقابل فقط بررسی ماشه ۶ ماه عقب بیفتد و به طور کلی منتفی نشود. در چنین شرایطی عقل سالم سیاسی تر دادن به خواسته غربی ها را ممکن نمی دانست و نمی داند. در واقع اروپایی ها در مسیر مذاکرات اخیر پیشنهاد هایی برای قبل نکردن به ایران می دادند نه توافق. حداقل سه ایده مطرح شده از سمت اروپا در نهایت به نقطه ای شبیه به این رسید. محدودیت موشکی ایران که ستون قدرت دفاعی کشور است، هم زمان با تحویل مواد غنی شده ۶۰ درصد ایران، اساساً قابل مذاکره هم نبود. در حالی که اگر محدوده پیشنهادها به نحوه تبادل مواد غنی شده و تعاملات آینده ایران با آژانس مربوط می شد، امکان توافق بود. در یک جمع بندی کلی و براساس بررسی همه تحولات داخلی و خارجی رفتار طرف مقابل بر اساس یک ایده کلی قابل تحلیل است، آن ها تصور می کردند ایران در موقعیتی قرار دارد که پیشنهاد های ضعیف را می پذیرد. فرضی که با کنش های غلط برخی سیاستمداران داخلی مثل آنچه درباره ضرورت مذاکره مستقیم پیشگیمان و ترامپ مطرح شد، قوام بیشتری گرفت.

حالا با گذشت زمان راحت تر از

قبل می توان در مذمت هر

کنش سیاسی که آرایش

داخلی ایران در تقابل

با دشمن را شکننده

و قابل شکست

نشان دهد، سخن

گفت. چه آن هایی که

مذاکره کنند را متهم

به خیانت و وابستگی

می کنند و چه آن هایی که

نسخه های تحقیرآمیز

می نویسند.

شنبه
۵ مهر ۱۴۰۴
۴ ربیع الثانی ۱۴۴۷
۲۷ سپتامبر ۲۰۲۵شماره
۴۵۱۵
۱۶ صفحه
۱۰۰۰۰ تومانFARHIKHTEGANONLINE
FARHIKHTEGANDAILY.COM

بی سوادی مزمن تراپیست ها

باراک نماینده ویژه آمریکا در خاورمیانه

بدیهیات تاریخی را هم نمی داند

۷



سخنرانی تنائیهو در سالن خالی سازمان ملل

نمایشی از انزوای تمام عیار صهیونیست ها در دنیا بود

خنده به آدم کش

گزارش تحقیقی «فرهیختگان» از وضعیت تراژیک یک شرکت هواپیمایی

ابعاد جدید افتضاح آسمان

۱۶

ایران همه بهانه ها را از طرف غربی گرفت

در مذاکرات ماشه چه گذشت؟

۷۹

یک مرکز پژوهشی به آمارهای قابل تأملی دست پیدا کرده است

اینفلوئنسر ها در شبکه های اجتماعی چه می کنند؟

۸

سریال «استودیو» صنعت سینمای آمریکا را با پلتازی دست می اندازد

جعبه سیاه ها کیوود

۱۳۹۲

